

«در جستجوی هنر زنده ترین شکل مقاومت در روزگار ما، کجا برویم و چه شکلی از هنر را جست و جو کنیم؟» این جمله را از یادداشت دکتر محمدولی در همین پرونده برداشته‌ام. در روزهایی که زمین غزه غرق خون است و آنچه در آنجا می‌گذرد دیگر به رشته‌ی کلام در نمی‌آید، چطور و چگونه می‌توان از «هنر» حرف زد؟ اگر برای غزه قصیده‌ای بسراییم یا اگر دست بیرون مانده‌ی کودکان از زیر آوار را نقاشی کنیم، آیا مقاومت را زنده نگه داشته‌ایم؟ آیا آن را برای آینده ماندگار کرده‌ایم؟ جمله‌ای از شهید آوینی به خاطر می‌آید که «پندار ما این است که شهدا رفته‌اند و ما مانده‌ایم. اما در حقیقت ما رفته‌ایم و شهدا مانده‌اند.» در حماسی‌ترین تفسیر از این روزهای فلسطین، ساکنان و «برجا ماندگان» آن به ما هنر زیستن و مقاومت را می‌آموزند و ما تنها نظاره‌گریم. این شماره تنها ادای دین اندک ماست به آرمان فلسطین که سال‌ها آن را در قلبمان نگاه داشتیم، با آن دویدیم و قد کشیدیم. نه اینکه ذره‌ای تأثیر در حال غزه داشته باشد؛ محض دلخوشی خودمان که بگوییم نخواستیم بنشینیم و هیچ نگوییم.

